

فارسی متوسطه اول

علم زندگانی

درس هفتم

علی براتی دبیر ادبیات فارسی

آذر 1400

کبوتر بچه ای با شوق پرواز بر جرئت کرد روزی بال و پر باز

معنی: روزی بچه کبوتری با اشتیاق پرواز ، با شهامت و جرئت ، بال و پرش را باز کرد

شوق: اشتیاق ، علاقه / **جرئت:** شهامت ، شجاعت / **مراعات نظیر:** بال ، پر ، کبوتر ، پرواز

پیدا از شاخه ب رشاخاری گذشت از باکی بر جویباری

معنی: از روی شاخه کوچکی به شاخه دیگری پرید و از پشت بام کوتاهی گذشت و کنار جویباری نشست .

شاخسار: سر شاخه های درخت / **جویبار:** جویبار / **بامک:** بام کوچک

نمودش بس که دور آن راه نزدیک شدش گیتی پیش چشم تاریک

معنی: آن راه کوتاه برایش بسیار طولانی به نظر می رسید . دنیا جلوی چشمانش تیره و تاریک شد

گیتی: جهان ، دنیا / **گیتی پیش چشمش تیره شد:** کنایه از سرش گیج رفت

ز وحشت سست شد بر جای نگاه زنج محنتی دماند راه

معنی: ناگهان از ترس و وحشت بر جای خود سست و بی حال شد و از شدت رنج و خستگی در راه ماند .

وحشت: ترس / **سست:** ضعیف ، بی حال / **دروماند:** ناتوان شد

قادر از پامی کرد از عجز فریاد ز شانی مادرش آواز در داد

معنی: خسته شد و از ناتوانی فریاد زد . ناگهان مادرش با صدای بلند او را صدا زد .

عجز: ناتوانی / **آواز در داد:** صدا زد ، بانگ زد / **از پا افتادن:** کنایه از ناتوانی

این بیت به تنهایی معنای کاملی را نمی رساند و برای کامل شدن نیاز به بیت بعدی دارد به این گونه بیت ها که معنایشان با هم کامل می شود « **موقوف المعانی** یا **وابسته معنا** » می گویند .

تو پرواز بس زود است و دشوار ز نوکاران که خواب کار بسیار

معنی: پرواز برای تو بسیار زود و دشوار است و کسی از افراد بی تجربه و تازه کار انتظار کار زیاد ندارد

نوکار: بی تجربه ، تازه کار

هنوز نیست پای برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام

معنی: هنوز برای تو زمان پریدن در کوچه و پشت بام نرسیده است . «توان پریدن نداری» و اکنون وقت خوابیدن و استراحت و آرامش است .

برزن: محله ، کوی ، کوچه

تو را توش هنرمی باید اندوخت حدیث زندگانی می باید آموخت

معنی: تو باید هنر بیاموزی و سخن زندگی را فرا بگیری .

توش: اندوخته ، خوراک ، طعام / **حدیث:** سخن ، داستان

باید هر دو پا محکم نهادن از آن پس فکر برپای ایستادن

معنی: باید هر دو پا را محکم بگذاری و بعد از آن به فکر ایستادن باشی

مفهوم کلی: اول توانایی کسب کن بعد کار انجام بده / برپا ایستادن: کنایه از استقلال داشتن ، به خود متکی بودن

من اینجا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرانج

معنی: من در این دنیا همانند نگهبان هستم و تو همچون گنج با ارزش هستی تو باید آسوده و راحت باشی و من باید رنج بکشم .

مراد دام بسیار بستند ز بالم کودکان پراشتند

معنی: من در دام های بسیاری گرفتار شده ام و بار ها کودکان بال و پر را شکسته اند .

رنج و سختی بسیاری را متحمل شده ام و تجربه اندوختم

که از دیوار سنگ آمد که از د کرم سر پنجه خونین شد کبی سر

معنی: گاهی از بالای دیوار و گاهی از در خانه به من سنگ زدند و گاهی پنجه هایم و گاهی سرم خونین شد .

کنشت آسایشم یک خط دماز گهی از کرب ترسیدم که از باز

معنی: یک لحظه آسایش همراه من نشد . گاهی از گربه و گاهی از باز ترسیدم .

دماز: همدم ، سازگار ، موافق / **آسایش:** آسودگی ، زندگی آرام / **باز:** پرنده شکاری

هجوم قته های آسانی مرا آموخت علم زندگانی

معنی: حمله بلا ها و مشکلات روزگار علم زندگی کردن را به من آموخت.

هجوم: حمله ناگهانی ، یورش / **فتنه:** بلا و مصیبت

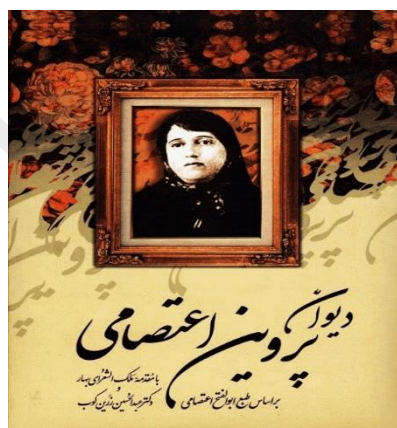
نکرد شاخ بی بن برومند ز توسعی و غل باید ز من پند

معنی: شاخه کوچک بدون ریشه پربار نمی شود . تو باید سعی و تلاش کنی و من باید به تو پند و اندرز بدهم .

برومند: با ثمر ، بارور ، پربا

تاریخ ادبیات

پروین اعتصامی: فرزند یوسف اعتصام الملک، ددر تبریز به دنیا آمد. سرودن شعر را از هشت سالگی آغاز کرد. نخستین شعر هایش را در مجله بهار چاپ کرد. تنها اثر او دیوان شعری است که بارها چاپ شده است. دیوان او شامل قصاید و قطعات بسیار دلنشین است. بیشتر قطعات خود را به صورت گفتگو سرود که در اصطلاح ادبی به آن مناظره می گویند



دعای مادر

از بایزید بسطامی _ رحمه الله علیه _ پرسیدند که ابتدای کار تو چگونه بود؟ «آغاز کار تو چگونه بود» گفت: من ده ساله بودم، شب از عبادت خوابم نمی برد. «شب از شوق عبادت خوابم نمی برد»

شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب سرد است، نزد من بخسب. «بخواب»

مخالفت با خواهش مادر برایم دشوار بود؛ راحت نبود پذیرفتم آن شب هیچ خوابم نبرد « اصلاً نخواستیدم » و از نماز شب بازماندم. یک دست بر دست مادرم نهاده بودم و یک دست زیر سر مادر داشتم.

آن شب هزار « قل هو الله احد » خوانده بودم « تمام سوره توحید را خواندم ». آن دست که زیر سر مادرم بود، « خون اندر آن خشک شده بود، « کنایه از بی حس و بی حرکت شدن » گفتم: « ای تن، رنج از بهر خدا بکش » « ای جسم به خاطر خدا تحمل کن »

چون مادرم چنان دید، دعا کرد و گفت: « یا رب، تو از وی خشنود باش و درجتش، » رتبه « درجه اولیا گردان » دعای مادرم در حق من مستجاب شد و مرا بدین جای رسانید. « به این جایگاه و مقام رسانید »

مثنوی: قالب شعری است که هر بیت آن قافیه جداگانه و مستقل دارد. و مصراع های هربیت دارای قافیه هستند. مثنوی یعنی دوتا دوتا یا دوگانی مناسب ترین قالب برای سرودن اشعار طولانی و منظومه های بلند است.

ترتیب قرار گرفتن قافیه ها در قالب مثنوی :

*.....

*.....

#.....

#.....

+.....

+.....

نکات زبانی درس هفتم

متمم: متمم در لغت به معنای « تمام کننده » کلمه ای که توضیح بیشتری درباره جمله می دهد.

در اصطلاح اسم یا گروه اسمی که پس از حرف اضافه می آید .

حروف اضافه : برای ، بهر ، بی ، بر ، ز، جز، تا، با ، به، چون ، در

او با دوستش به مدرسه آمد .

نکته: چون وقتی حرف اضافه است که معنای مثل و مانند بدهد .

چو دانا یکی گوی و پرورده گوی. « مانند »

نکته: « را » در گذشته گاهی در معنای حرف اضافه می آمده است .

مرا آموخت علم زندگانی « به » من علم زندگی آموخت .

مریدان شیخ را گفتند . (به) شیخ گفتند .



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد